

واکاوی توسعه جریان های فرهنگی اجتماعی مؤثر بر فضای کلی و عمومی استان اردبیل

محسن علائی بوسجین^{*۱}

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۲۷

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۹/۰۱

DOI: 10.30495/JISDS.2024.76407.11996

چکیده

فرهنگ و مدیریت فرهنگی از جمله مواردی است که محور و زیربنای اساسی توسعه اقتصادی پایدار محسوب می‌شود. فرهنگ، به عنوان مجموعه‌ی باورها، نگرش‌ها و اعتقادهای قلبی یک گروه و جامعه، تشکیل دهنده شیوه زندگی آنهاست. زمانی که شیوه زندگی جامعه بر مبنای فرهنگ قوی علمی و توسعه یافته قرار گیرد، به راحتی می‌توان بنیادهای توسعه پایدار را بر آن استوار ساخت. بر این اساس در این مقاله سعی شده؛ جریان‌های اثرگذار فرهنگی از نظر مدیران و کارشناسان نسبت به عوامل و جریان‌های مؤثر فرهنگی اجتماعی حاکم بر استان اردبیل مورد مطالعه و تحلیل قرار گیرد. نتایج عمده این تحلیل که با استفاده از روش تحلیل عاملی کیو بر روی مشارکت کنندگان انجام شد، چهار گروه عمده‌ی ذهنی از دیدگاه مدیران و کارشناسان استان نسبت به جریان‌های فرهنگی استان اردبیل به دست داد. گروه اول که ۲۳٪ پاسخگویان را تشکیل می‌دهند، از وجود آسیب‌های اجتماعی در استان اردبیل، ابراز نارضایتی کرده‌اند. گروه دوم که ۳۷٪ مدیران و کارشناسان پاسخگو را تشکیل می‌دهد، نسبت به جریان‌های فرهنگی استان اردبیل ابراز نارضایتی نکرده‌اند. گروه سوم که ۲۳٪ مشارکت کنندگان را تشکیل می‌دهد، نسبت به جریان‌های فرهنگی حاکم بر استان ابراز نارضایتی نکرده‌اند و اکثر جریان‌های فرهنگی استان را در حوزه‌ی سیاسی ارزیابی کرده‌اند. در نهایت گروه چهارم که ۱۷٪ پاسخگویان را تشکیل می‌دهند، اعتقاد دارند، متولی تبلیغات دینی باید یک سازمان مشخصی باشد. مخالف این عقیده هستند که از ظرفیت‌های علمی و فرهنگی استان اردبیل برای برگزاری همایش به طور کامل استفاده می‌شود. مخالف این هستند که محصولات فرهنگی استان اردبیل توانسته است پاسخگوی خلأهای فرهنگی و ارزشی کشورمان باشد.

واژگان کلیدی: فرهنگ، رصد اجتماعی و فرهنگی، جریان‌شناسی، جریان‌های فرهنگی و اجتماعی، اردبیل.

^۱ استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

مقدمه و طرح مسأله

فرهنگ، شیوه زندگی هر جامعه و متأثر از عوامل متعدد است که در همه جوامع یکسان و یکنواخت نیست. بر این اساس، فرهنگ از نظر یک جامعه شناس؛ شامل تمام رفتارهایی است که در زندگی اجتماعی آموخته می‌شود و از راه‌های گوناگون بین نسل‌های متفاوت یا افراد یک نسل انتقال می‌یابد. در این معنا، فرهنگ نه تنها به زبان، امور صنعتی، هنر، علم، قانون، حکومت، اخلاق و مذهب اطلاق می‌شود، بلکه ساختمان‌ها، ابزارها، وسائل، ماشین‌آلات، نظام‌های ارتباطی را نیز شامل می‌شود (دیویس، ۱۳۷۳: ۸-۶) فرهنگ؛ ارزش‌هایی است که به کمک آن کارها و امور سازمان انجام می‌پذیرد یا مفروض‌ها و باورهای بنیادی که بین اعضای سازمان مشترک است، با نگاهی دقیق به تعاریف فرهنگ، می‌توان گفت زمینه اصلی در فرهنگ سازمانی (یا جامعه) وجود سیستمی از معانی و مفاهیم مشترک در میان اعضای سازمان یا جامعه است. در هر سازمان، الگوهایی از باورها، نمادها، شعائر، داستان و آداب و رسوم وجود دارند که به مرور زمان به وجود آمده‌اند. این الگوها باعث می‌شوند که در مورد اینکه سازمان چیست و چگونه اعضا باید رفتار خود را ابراز کنند؟ درک مشترک و یکسانی به وجود آید (الوانی و دانایی‌فرد، ۱۳۸۴: ۳۸۱). واژه «رصد» بر معانی و اعمال متعددی دلالت دارد که بسته به زمینه و کاربرد آن متفاوت است، اما در کل معنا و مضمون مشخصی را به ذهن متبادر می‌کند (عنبری، ۱۳۹۰). مفهوم‌شناسی فرهنگی یکی از مباحث پایه در فرهنگ‌سازی هر جامعه‌ای است؛ چرا که بر اساس نوع نگرش نسبت به مفهوم فرهنگ، چستی و چگونگی رصد فرهنگی نیز متفاوت خواهد شد (پیروزمند، صادقی، ۱۳۸۵). تحقق این هدف فقط در سایه طراحی سازوکار و فرآیند مناسبی برای نظارت و ارزیابی دقیق تغییرات فرهنگی جامعه در حوزه‌های مختلف امکان‌پذیر خواهد بود. بدیهی است چنین فرآیندی نمی‌تواند فقط محدود به بخش فرهنگ باشد؛ چرا که سایر حوزه‌های نظام اجتماعی؛ نظیر سیاست، اقتصاد و اجتماع تعامل وسیعی با حوزه فرهنگ داشته و منشأ بسیاری از تغییرات در این عرصه هستند. از سوی دیگر در فرآیند تحلیل و ارزیابی مسائل فرهنگی گذشته، حال و آینده به گونه‌ای با هم مرتبط می‌گردند، بنابراین باید محدوده زمانی قابل توجهی در رصد فرهنگی مد نظر قرار گیرد. در نتیجه طراحی نظام ارزیابی و رصد فرهنگی و کنکاش ابعاد مختلف موضوع، کاری بس دشوار بوده و از پیچیدگی فراوانی برخوردار است. عوامل مؤثر در اعتلاء یا افول فرهنگ عمومی، نیازمند تأمل و بررسی هستند، عواملی از قبیل شخصیت‌های فرهنگ‌ساز، رسانه‌ها، ابزارها و صنایع فرهنگی، شخصیت‌های فرهنگ‌ساز مثل خواص، نخبگان، روشنفکران و روحانیون که بر تعالی و افول فرهنگ مؤثرند. رسانه‌ها و ابزارهای فرهنگی نقش اساسی را در تثبیت یا استحاله فرهنگ و رشد یا تقویت فرهنگ یا اعتلاء یا افول فرهنگ، بازی می‌کنند. نهادهای فرهنگی نیز از عوامل دیگر مؤثر بر افول یا اعتلاء فرهنگ هستند. از عوامل، عناصر و محتوای فرهنگی که در حقیقت خروجی و محصولات ابزار و نهادهای فرهنگی هستند. عامل دیگر، اقتصاد فرهنگی است؛ یعنی فعالیت‌های اقتصادی که تبعات فرهنگی دارند یا برعکس؛ فعالیت‌های فرهنگی که تبعات اقتصادی دارند مثل توریسم که حرکت فرهنگی است و تبعات اقتصادی هم دارد. در این میان جریانات مختلفی بر فرهنگ یک جامعه در حوزه‌های خرد و کلان تأثیر گذاشته و آن را به تلاطم و تالو و می‌دارند. بسترهای سیاسی، فرهنگی و حتی ژئوپلیتیکی مختلفی بر این جریانات در مناطق مختلف کشور واقع می‌شوند ممکن است یک جریان در یک استان از قوت، اعتبار و اثر بخشی بالایی برخوردار باشد، اما در جایی دیگر مورد توجه نباشد. نکته مهم و سرنوشت ساز در این میان، آگاهی دقیق و روزآمد مدیران ارشد فرهنگی و به خصوص مدیران کل تبلیغات اسلامی استان‌ها از این جریانات، تأثیر فوق‌العاده‌ای در نحوه تصمیم‌گیری آنان برای برنامه‌ریزی سلسله اقدامات اثربخش فرهنگی و تبلیغی است. این نکته بسیار مهم است که با بودجه و امکانات محدود چگونه برنامه‌ریزی شود تا اثرگذاری مطلوب داشته باشد. مدیران فرهنگی، در صورت توجه به پژوهش و نقش سرنوشت ساز آن در بسیاری از موارد با انجام طرح‌های نظر سنجی نسبت به دریافت علایق و نیازهای مخاطبان خود اقدام می‌کنند که این در جای خود بسیار خوب و مطلوب است، اما جریان‌شناسی و رصد فرهنگی، چند مرتبه بالاتر از این مراحل قرار داشته و افق دید بالاتری به تصمیم‌سازان فرهنگی می‌دهد و دقیقاً به همین علت مهم باید جریانات فرهنگی اجتماعی مؤثر را شناخت تا

متناسب با سیاستهای کلی نسبت به تقویت یا تضعیف و تغییر مسیر آن اقدام نمود. این طرح در صدد است ضمن تبیین فضای کلی فرهنگی استان اردبیل، نسبت به جریان شناسی، مسأله شناسی، تحلیل مسأله فرهنگی، سیاستگذاری و بهره‌برداری از ابزارهای فرهنگی مناسب، اقدام نماید. بدون شک باید با تحلیل و بررسی ارزش‌ها، نگرش‌ها، هنجارها و رفتارهای موجود در جامعه، سطح فرهنگ عمومی و خرده فرهنگ‌های موجود در استان اردبیل شناسایی شوند. این اقدام کارشناسی برای مسأله‌شناسی اجتماعی و فرهنگی و پایش جریان‌های اجتماعی و فرهنگی تولید شده در حوزه‌های مختلف جامعه اعم از فرهنگ دینی، فرهنگ سیاسی، فرهنگ اقتصادی، فرهنگ مدنی و فرهنگ علمی انجام می‌گیرد و این امر، اهمیت فوق‌العاده ای دارد. بی‌هیچ شبهه با شناخت جریان‌های فرهنگی اجتماعی مؤثر و حاکم بر استان اردبیل می‌توان نسبت به برنامه‌ریزی و انجام اقدامات متناسب با نیازهای مخاطبان سازمان و به خصوص نسل جوان، همت گماشت و با شناخت دیسپس‌های فرهنگی و تبلیغی دشمنان در جهت بطلان آنها اقدام و به آنان حمله نمود. سوال اصلی پژوهش حاضر بر مدار شناسایی محورهای مهم جریان های اجتماعی و فرهنگی استان اردبیل به این شرح چرخش پیدا می کند: مهمترین جریان های اجتماعی و فرهنگی قابل اعتنا و جریان ساز اردبیل کدامند؟ اصلی ترین و مهمترین هدف این تحقیق؛ شناخت جریان های فرهنگی اجتماعی و فرهنگی قابل اعتنا و جریان ساز اردبیل است. در مجموع می‌توان اهداف زیر را در انجام این طرح پیش چشم داشت: ۱- شناسایی جریان‌های فرهنگی و اجتماعی موجود و اثرگذار در استان اردبیل. ۲- مسأله شناسی اجتماعی و فرهنگی و پایش جریان‌های اجتماعی و فرهنگی تولید شده در حوزه‌های مختلف استان اردبیل اعم از فرهنگ دینی، فرهنگ سیاسی، فرهنگ اقتصادی، فرهنگ مدنی و فرهنگ علمی.

ابعاد رصد فرهنگی و جریان های فکری اجتماعی مؤثر بر فضای کلی و عمومی

جریان‌های فرهنگی، مقصد تأثیرگذاری جریان، ویژگی‌های جریان، حوزه‌های فرهنگی، گستره اثرگذاری، محصولات و کالای فرهنگی، گروه‌های مرجع اصلی در جامعه.

جریان‌های فرهنگی: جریان‌های فرهنگی در هر جامعه‌ای، دارای نقش مهمی در رشد فکری مردم و شکل‌گیری ذهنیت عمومی جامعه هستند. جریان‌های فرهنگی از جنبه‌های مختلفی قابل بررسی هستند. منشأ و مبدأ جریان و شناسایی بسترهای رشد جریان فکری.

مقصد اثرگذاری جریان: حوزه‌های معرفتی: اثبات مکتب، شناخت مکتب، اجرای مکتب و حوزه‌های اخلاقی: هنجارها و رفتارها.

ویژگی‌های جریان: عبارت است از: رو به رشد و ظهور، در حال تغییر و زوال، گستره جریان، میزان تأثیرگذاری جریان **حوزه‌های فرهنگی:** فرهنگ در هر نظام اجتماعی در ارتباط متقابل با سایر حوزه‌های نظام اجتماعی نظیر اقتصاد، اجتماع، سیاست و نظایر آن و همچنین فرهنگ سایر جوامع بوده و بر آنها تأثیر گذاشته و اثر می‌پذیرد. مفاهیم ذیل در سایه چنین ارتباطی، اهمیت ویژه‌ای در رصد فرهنگی پیدا می‌کنند: فرهنگ ملی، فرهنگ جهانی (وجوه مثبت و منفی) و فرهنگ‌های خارجی (غربی و شرقی)؛ فرهنگ دینی؛ فرهنگ اقتصادی، فرهنگ سیاسی؛ فرهنگ اجتماعی، فرهنگ عمومی، سطوح رصد فرهنگی.

گستره تأثیرگذاری: پدیده‌های فرهنگی بنا به گستره تأثیرگذاری خود، فرهنگ عمومی یا خرده فرهنگ خاصی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بنابراین ارزیابی تغییرات فرهنگی باید در دو سطح ذیل صورت پذیرد: فرهنگ عمومی و خرده فرهنگ‌ها.

محصولات و کالاهای اجتماعی و فرهنگی: در دنیای مدرن با پیشرفت تکنولوژی و صنایع فرهنگی هر روز شاهد تولید صدها محصول فرهنگی در قالب کتاب، آثار هنری، فیلم‌های سینمایی، اسباب‌بازی، بازی‌های رایانه‌ای و غیره هستیم که نقش مهمی در فرهنگ‌سازی دارند.

گروه‌های مرجع اصلی در جامعه: گروه‌های مرجع به افرادی گویند که گفتار و کردار آن‌ها در جامعه به عنوان الگو برای مردم و به ویژه جوانان قرار می‌گیرد و از اثرگذاری فراوانی در سطح جامعه برخوردار است، نظیر: ورزشکاران، هنرپیشگان، دانشمندان و

....

فرهنگ‌ها در مواجهه با عصر جهانی شدن از درون و نیز در بیرون با چالش‌هایی روبرو هستند، نتایج این شرایط در الگوهای متفاوت بیان شده است که در این جا به سه شکل ارائه شده توسط اندیشمندان حوزه‌ی جهانی شدن اشاره خواهد شد. ریتزر (۲۰۱۰) سه دیدگاه تمایزگرایی فرهنگی (culture differentialism)، هم‌شکل‌گرایی فرهنگی (culture convergence) و پیوندگرایی فرهنگی (culture hybridization) یا دورگه‌انگاری فرهنگی را برای بیان چشم‌انداز فرهنگ در عصر جهانی به بحث می‌گذارد. البته این اشکال را برای دیگر موضوعات مانند اقتصاد و سیاست نیز به کار می‌برد.

۱- در دیدگاه تمایزگرایی، تاکید بیشتر بر روی موانعی است که مانع جریان جهانی و یک شکل شدن فرهنگی (و چیزهای دیگر) می‌شود. فرهنگ به صورت عمده نه تنها در مقابل جهانی شدن، موضع بسته‌ای دارد، همچنین در تاثیر از دیگر فرهنگ‌ها این گونه عمل می‌کند. در این تصویر جهان به عنوان موزاییکی از فرهنگ‌های به مقدار زیاد جدا از هم پنداشته شده است. این دیدگاه بسیار تهدید آمیز است؛ چون این امکان خطر عمدتاً" به طور ناگهانی درگیری میان و در بین حداقل، برخی از این فرهنگ‌ها را پیش‌بینی می‌کند (Ritzer, 2010). نظریه‌ی برخورد تمدن‌های هانگیتین را می‌توان نمونه‌ی بارز این دیدگاه دانست. او در این دیدگاه؛ فرهنگ‌ها را در گذشته متمایل به کناره‌گیری و عدم ارتباط با یکدیگر می‌داند، و آن‌ها را به لحاظ مبانی فلسفی، رویکرد به زندگی و سایر ارزش‌ها، متمایز و گاه مخالف هم فرض می‌کند. به همین جهت به سمت جدا ماندن و عدم ارتباط، تمایل دارند. با گسترش فناوری‌های نوین که روابط بیشتر میان تمدن‌ها از نتایج آن است، تمدن‌ها برای تداوم خود، ناچار از برخورد با یکدیگر هستند. او خطرات تضاد بین تمدن غرب (چیزی که او خود پسندی غربی می‌نامد) و اسلام (و بنیادگرایی آن) و چین (اعتماد به نفس چینی) را پیش‌بینی می‌کند. عمده‌ی این تضادها، پیرامون نگاه غرب به خودش به عنوان مالک فرهنگ جهانی، آرزوی آن برای صادر کردن این فرهنگ به بقیه‌ی جهان و کاهش قابلیت آن برای این کار بر می‌گردد. از این گذشته چیزی که غرب به عنوان یک شکل‌سازی می‌بیند، از نگاه بقیه‌ی جهان بخصوص جهان اسلام به عنوان امپریالیسم تشخیص داده می‌شود (Ritzer, 2010: 247). در این دیدگاه، بر تفاوت‌های اساسی در بین و میان فرهنگ‌ها که تحت تاثیر جهانی شدن و رویه‌های جریان فرهنگی قرار نمی‌گیرند تأکید می‌شود. البته این دیدگاه نمی‌گوید که فرهنگ تحت تاثیر هیچ فرآیندی، حتی جهانی شدن قرار نمی‌گیرد، بلکه می‌گوید در این روند در مواجهه با جهانی شدن و دیگر فرهنگ‌ها به سمت حفظ موقعیت خود آن گونه که بوده است تمایل دارد (ritzer. همان: ۲۴۵).

۲- رویکرد پیوندگرایی فرهنگی (culture hybridization) یا دورگه‌انگاری فرهنگی، بر ترکیب فرهنگ‌ها با عنوان نتیجه‌ی جهانی شدن و تولید پیوندهای فرهنگی جدید منحصراً به فرد، که به فرهنگ جهانی یا فرهنگ محلی تقلیل‌پذیر نیست، اشاره دارد. این دیدگاه بر ترکیب فرآیندهای جهانی با انواع واقعیت‌های محلی برای تولید اشکال پیوندی متمایز که به این شکل تداوم ناهمگونی جهان را نسبت به همگونی امکان‌پذیر می‌بیند تمرکز دارد. این دیدگاه خیلی خوش بین و حتی رومان‌تیک است، که جهانی شدن را فرآیندی عمیقاً سازنده می‌داند، که از آن واقعیت‌های فرهنگی جدیدی بیرون می‌آید و تداوم ناهمگونی را امکان‌پذیر می‌کند (ritzer. همان: ۲۴۷).

۳- دیدگاه سوم در مورد وضعیت فرهنگ در عصر جهانی شدن همگونی فرهنگی (cultural convergence) می‌باشد. این رویکرد بر این پایه استوار است که روند جهانی شدن به سمت تشابه و همانندی در سرتاسر جهان پیش می‌رود. برخی در این رویکرد، نظراتی رادیکال دارند و تغییرات فرهنگی و به طور ویژه جریان‌های (flows) فرهنگ جهانی و پیامد آن،

تضعیف مرزهای میان فرهنگ‌ها را ناشی از جهانی شدن می‌داند. به نظر می‌رسد فرهنگ‌های جهان امروز به طور فزآینده‌ای یا حداقل تا اندازه‌ای در حال شبیه شدن هستند. در این رویکرد، تمایل به همگون سازی فرهنگی جهان، تحت رهبری کشورهای غالب دیده می‌شود (Ritzer همان: ۲۵۸).

پیشینه‌ی پژوهشی

در پژوهشی با عنوان تبارشناسی جریان های فرهنگی در ایران معاصر، به چگونگی آشنایی جامعه ایرانی با فرهنگ و اندیشه غربی و پیدایش جریان‌های نوپدید و نسبت آنها با جریان‌های قدمایی را با استفاده از روش تحلیل تاریخی و با تکیه بر اسناد و منابع می‌پردازد. یافته‌های اساسی این پژوهش، حاکی از آن است که ورود اندیشه‌های جدید منجر به پیدایش جریان‌هایی شد که مهم‌ترین ویژگی آن‌ها تقابل و نفی جریان‌های قدمایی ایران بود با وجود این، گرایش‌هایی از هم‌سازی و هم‌زیستی نیز در بین آنها مشاهده می‌شود (بیگدلو، رضا؛ اکبری، محمدعلی: ۱۳۹۰، ۶۷-۶۵).

مهرداد نصیری تهرانی و دکتر اسماعیل کاووسی در تحقیقی با عنوان نقش شبکه‌های تلویزیونی استانی در تقویت فرهنگ بومی (مطالعه موردی استان‌های آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، اردبیل و زنجان) که هدف آن تحقیق بررسی نقش شبکه استانی در تقویت فرهنگ بومی بود. سوال اصلی تحقیق این بود که آیا بین تماشای برنامه‌های شبکه استانی و میزان آشنایی با فرهنگ بومی، رابطه مستقیم وجود دارد؟ به این معنی که با افزایش میزان تماشای شبکه استانی، میزان آگاهی مخاطبان از مؤلفه‌های فرهنگ بومی افزایش می‌یابد یا خیر؟ و آیا بین تماشای برنامه‌های شبکه استانی و میزان علاقه به فرهنگ بومی رابطه مستقیم وجود دارد؟ به این معنی که با افزایش میزان تماشای شبکه استانی، میزان علاقه مخاطبان به مؤلفه‌های فرهنگ بومی افزایش می‌یابد؟ جامعه آماری تحقیق شامل کلیه افراد ۱۵ سال به بالای بومی ساکن مراکز استان آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، اردبیل و زنجان) بود. بر اساس فرمول تعیین حجم نمونه کوکران و با در نظر گرفتن هر استان به صورت مجزا، حجم نمونه آماری مورد بررسی به تعداد ۱۵۳۶ نفر بود که بر اساس جدول مورگان و فرمول کوکران، حجم نمونه برای جوامع، بی‌نهایت محاسبه شده است. برای انتخاب واحدهای مورد مطالعه از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای استفاده شد. تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌های مورد نیاز در مقاله نیز در دو بخش توصیفی و تحلیلی انجام گرفته بود که نتایج حاصل شده از تحقیق حاضر بدین شرح گزارش شده است: ۱- بین تماشای شبکه استانی و میزان آگاهی از مؤلفه‌های خرده فرهنگ بومی رابطه مستقیم وجود دارد. ۲- بین تماشای شبکه استانی و میزان علاقه به مؤلفه‌های خرده فرهنگ بومی رابطه مستقیم وجود دارد.

در مقاله‌ای تحت عنوان نقش فرهنگ در توسعه اقتصادی، توسط نرگس صالح نیا، جلال دهنوی و امین حق‌نژاد، توسعه فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته است، فرهنگ یکی از مؤلفه‌های مهم و اساسی در توسعه هر کشوری است و باید بدانیم تا چند دهه قبل، عقیده اکثر صاحب نظران این بود که توسعه، مفهومی اقتصادی دارد؛ به عبارت دیگر؛ توسعه فقط جنبه اقتصادی داشت و کشورها در جهت دستیابی به توسعه، به تقویت اقتصاد خویش می‌پرداختند. اما این وضعیت با شکست کشورهای بی‌توسعه اقتصادی را در برنامه‌ریزی خود در دستیابی به توسعه گنجانده بودند تغییر یافت و موجب از دست رفتن مفهوم یک بعدی توسعه شد. اکنون مشخص شده که توسعه فرهنگی، مبنای هر نوع توسعه است؛ از این رو، دولت‌ها باید در راستای رسیدن به توسعه همه جانبه، سعی در تغییر نگرش خویش به انسان، بصورت یک موجودی فرهنگی داشته باشند؛ چرا که مبنای توسعه حقیقی و پایدار، توسعه فرهنگی بوده و به مثابه ریشه‌ای که درخت را تغذیه می‌کند، سایر ابعاد توسعه (سیاسی، اقتصادی و اجتماعی) نیز از این بعد مهم تغذیه می‌شوند. بنابراین، لازم است تا در ارتقای سطح فرهنگ جامعه کوشا بوده و تلاش مضاعف به کار بسته شود. نتیجه نهایی در این تحقیق فرهنگ عنصری است که شامل همه کنش‌ها و واکنش‌های فرد و محیط پیرامون او با بعد زیرین زندگی گروه‌های اجتماعی می‌شود، یعنی مجموعه روش‌ها و شرایط زیست یک جامعه بر اساس بنیاد مشترکی از سنت‌ها و دانش و نیز

اشکال مختلف بیان جایگاه فرد در درون جامعه، به هم پیوند خورده است و تنها با دخالت عوامل فرهنگی در راه حل های انتخاب شده برای توسعه می توان به طور کامل نیازها و خواست های گروه های اجتماعی و ملت ها را برآورده ساخت. شکل اصلی تمام فعالیت های نظام یک کشور از ماهیت فرهنگی آن، هویت و رنگ می گیرد. به عبارتی حفظ یک نظام گرچه به ظاهر، بستگی به پویایی و استقلال فعالیت های سیاسی و اقتصادی دارد، ولی نحوه فعالیت در اقتصاد و یا سیاست گذاری در بخش های دیگر متأثر از فرهنگ آن نظام اجتماعی است. فرهنگ، ارزش ها و باورهای آن، علت محدثه و ایجاد اقتصاد، سیاست و فعالیت های دیگر اجتماعی است. از این رو استقلال، موجودیت و تداوم آنها، بستگی به نوع فرهنگ یا ارزش ها و باورهایی است که این دو حرکت (اقتصادی و سیاسی-نظامی) بر پایه آن شکل گرفته اند. اکنون دیگر این اجماع اکثریتی وجود دارد که مبنای هر نوع توسعه، توسعه فرهنگی است و از آن جا که دغدغه اصلی دولت ها رسیدن به توسعه همه جانبه است و از آنجایی که مبنای این توسعه، انسان (موجودی فرهنگی) می باشد، زیربنای توسعه حقیقی و پایدار نیز توسعه فرهنگی خواهد بود.

روش شناسی

این طرح با استفاده از روش Q.Method انجام گرفت. در این تحقیق برای گردآوری اطلاعات از شیوه های پرسشنامه و اعتماد «مصاحبه بسته» استفاده شده است. یکی از مهمترین پایه های یک کار مطالعاتی میدانی، گردآوری اطلاعات است. در این طرح، مدیران ارشد فرهنگی اجتماعی استان اردبیل به صورت تمام شماری و اساتید و نخبگان حوزوی و دانشگاهی مسئولان تشکلهای مختلف این استان به صورت نمونه، مورد مطالعه قرار گرفت. جامعه آماری این طرح مطالعاتی اعضای محترم شورای فرهنگ عمومی، مدیران ارشد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، اساتید حوزه و دانشگاه، نخبگان فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و مسئولان تشکلهای مختلف فرهنگی، اجتماعی و سیاسی استان اردبیل هستند. حجم نمونه این طرح مطالعاتی از ۳۸ نفر می باشد.

فرآیند تحلیل عاملی کیو

با انجام این مراحل بر روی داده های بدست آمده، در نرم افزار SPSS16، هشت عامل اصلی با توجه به مقادیر ویژه آنها استخراج شد.

واریانس تبیینی کل

مؤلفه	مجموع مربعات استخراج شده بارها			مجموع مربعات چرخش یافته بارها		
	کل	درصد از واریانس	درصد تجمعی	کل	درصد از واریانس	درصد تجمعی
۱	۱۷,۷۷۳	۴۵,۵۷۲	۴۵,۵۷۲	۱۷,۵۴۷	۱۷,۵۴۷	۱۷,۵۴۷
۲	۳,۱۵۷	۸,۰۹۴	۵۳,۶۶۶	۱۵,۲۴۶	۵,۹۴۶	۳۲,۷۹۳
۳	۲,۲۷۰	۵,۸۲۱	۵۹,۴۸۷	۱۲,۰۷۰	۴,۷۰۷	۴۴,۸۶۲
۴	۱,۸۲۷	۴,۶۸۴	۶۴,۱۷۱	۱۱,۶۷۶	۴,۵۵۴	۵۶,۵۳۸
۵	۱,۷۰۰	۴,۳۵۸	۶۸,۵۲۹	۶,۹۲۲	۲,۷۰۰	۶۳,۴۶۰
۶	۱,۲۵۸	۳,۲۲۶	۷۱,۷۵۵	۶,۳۸۰	۲,۴۸۸	۶۹,۸۴۰
۷	۱,۲۰۶	۳,۰۹۱	۷۴,۸۴۶	۳,۹۹۹	۱,۵۵۹	۷۳,۸۳۹
۸	۱,۰۸۸	۲,۷۸۹	۷۷,۶۳۵	۳,۷۹۶	۱,۴۸۱	۷۷,۶۳۵

پس از تعیین عامل ها و بارهای عاملی، ضوابطی وجود دارد که از آنها در تصمیم گیری برای تعیین تعداد عامل های استخراجی استفاده می شود که این معیارها عبارتند از معیار مقدار ویژه و معیار درصد واریانس، که با توجه به واریانس بدست آمده در جدول، به نظر می رسد که استخراج ۴ عامل معقول و مناسب باشد.

تفسیر بارهای عاملی

در این پژوهش از روش varimax به عنوان یک روش چرخش متعامد برای چرخش ماتریس استفاده شده است. پس از تعیین تعداد عامل ها و ماتریس، مؤلفه های چرخش یافته به صورت جدول بدست آمده است. هر یک از ستون ها بیانگر هر یک از عامل ها و هر سطر بیانگر هر کدام از ۳۹ مشارکت کننده است. مقادیری که در این جدول آمده است میزان بار عاملی هر یک از مشارکت کنندگان تحت عامل مربوط به آن ستون است.

ماتریس مؤلفه های چرخش یافته

مؤلفه ها				
4	3	2	1	
0.219	0.494	0.499	0.280	M1
0.249	0.268	0.249	0.745	M2
0.126	0.538	0.469	0.463	M3
0.242	0.366	0.471	0.102	M4
0.695	0.201	0.412	0.133	M5
0.054	0.216	0.516	0.574	M6
-0.098	0.349	0.425	0.590	M7
0.138	0.491	0.436	0.452	M8
0.613	0.013	0.177	0.575	M9
0.396	0.234	0.668	0.303	M10
0.501	0.220	0.136	0.629	M11
0.230	0.781	0.240	0.270	M12
-0.090	-0.191	0.586	0.298	M13
0.291	0.677	0.076	-0.023	M14
0.156	0.417	0.315	0.503	M15
0.002	0.090	0.061	0.839	M16
0.241	0.597	0.398	0.488	M17
0.338	0.356	0.614	-0.357	M18
0.545	0.533	-0.142	0.274	M19
0.336	-0.018	0.288	0.183	M20
0.242	0.179	0.692	0.035	M21
0.480	0.391	0.244	0.475	M22
0.250	0.266	0.550	0.460	M23
-0.147	0.235	0.560	0.510	M24
0.097	0.057	0.115	0.876	M25
0.215	0.533	0.589	0.281	M26
0.692	0.458	0.100	0.179	M27
0.072	0.131	0.618	0.112	M28
0.723	0.061	0.091	-0.143	M29
0.492	0.679	0.185	0.222	M30
0.089	0.144	0.575	0.641	M31
0.336	0.516	0.359	0.456	M32
0.228	0.328	0.111	0.755	M33
0.456	0.169	0.611	0.253	M34
0.380	0.365	0.414	0.270	M35
0.402	0.239	0.406	0.198	M36
0.305	0.511	0.391	0.422	M37
0.173	0.525	0.448	0.156	M38
-0.238	0.601	0.049	0.107	M39

به این ترتیب، چهار گروه با مشارکت کنندگان هر یک به صورت زیر تعیین شد.

گروه‌ها	مشارکت کنندگان	فراوانی	درصد فراوانی
گروه اول	M2,M6,M7,M11,M15,M16,M25,M31,M33	۹	۲۳,۰۷
گروه دوم	M1,M3,M4,M10,M13,M18,M21,M23,M24,M26,M28,M34,M35,M36	۱۴	۳۵,۸۹
گروه سوم	M8,M12,M14,M17,M30,M32,M37,M38,M39	۹	۲۳,۰۷
گروه چهارم	M5,M9,M19,M20,M22,M27,M29	۷	۱۷,۹۴

رتبه امتیازات گویه‌ها تحت هر عامل

گروه‌ها	۱	۲	۳	۴
گویه‌ها				
۵	۲۵,۰	۱۳,۰	۲,۰	۴۱,۰
۷	۸,۰	۲۱,۰	۲۶,۰	۳۳,۰
۸	۵,۰	۲۴,۰	۳۴,۰	۲,۰
۱۰	۳۰,۰	۲۲,۰	۲۰,۰	۲۰,۰
۱۱	۲۳,۰	۳۲,۰	۱,۰	۳۹,۰
۱۲	۱۷,۰	۱,۰	۴۱,۰	۲۷,۰
۱۴	۳۶,۰	۳۴,۰	۲۹,۰	۲۶,۰
۱۵	۱۱,۰	۳۵,۰	۳,۰	۲۱,۰
۱۷	۱۰,۰	۹,۰	۲۴,۰	۹,۰
۱۸	۲۹,۰	۲۵,۰	۳۱,۰	۳۶,۰
۱۹	۲۱,۰	۱۵,۰	۳۶,۰	۳۱,۰
۲۰	۳۷,۰	۱۰,۰	۲۷,۰	۲۳,۰
۲۱	۳۳,۰	۳۳,۰	۳,۰	۳۵,۰
۲۲	۴۱,۰	۱۱,۰	۲۸,۰	۳۲,۰
۲۳	۲,۰	۳۸,۰	۳۳,۰	۱۹,۰
۲۴	۳۵,۰	۳۷,۰	۱۶,۰	۴۰,۰
۲۵	۴۰,۰	۴۱,۰	۸,۰	۱,۰
۲۶	۳۹,۰	۳۰,۰	۳۸,۰	۱۴,۰
۲۷	۱,۰	۱۹,۰	۴۰,۰	۳۷,۰
۲۸	۳۸,۰	۳۱,۰	۳۵,۰	۱۲,۰
۲۹	۳۲,۰	۳۶,۰	۳۲,۰	۲۲,۰
۳۰	۳۱,۰	۳۹,۰	۱۹,۰	۱۳,۰
۳۱	۱۸,۰	۴۰,۰	۲۳,۰	۱۱,۰
۳۲	۳۴,۰	۲۳,۰	۳۹,۰	۲۹,۰
۳۳	۱۶,۰	۱۸,۰	۶,۰	۳,۰
۳۶	۴,۰	۲۷,۰	۱۱,۰	۵,۰
۳۷	۲۰,۰	۵,۰	۱۸,۰	۸,۰
۳۸	۲۴,۰	۶,۰	۱۷,۰	۶,۰
۳۹	۱۵,۰	۲,۰	۱۰,۰	۱۸,۰

گروه ها	۱	۲	۳	۴
۴۱	۲۸,۰	۴,۰	۱۴,۰	۷,۰
۴۲	۱۹,۰	۱۴,۰	۷,۰	۴,۰
۴۳	۲۷,۰	۳,۰	۱۲,۰	۱۵,۰
۴۴	۱۴,۰	۱۷,۰	۴,۰	۱۶,۰
۴۵	۹,۰	۲۰,۰	۱۵,۰	۲۸,۰
۴۶	۳,۰	۲۶,۰	۹,۰	۳۸,۰
۴۷	۷,۰	۲۹,۰	۱۳,۰	۳۴,۰
۴۸	۱۳,۰	۸,۰	۲۲,۰	۱۰,۰
۴۹	۲۶,۰	۷,۰	۲۵,۰	۲۴,۰
۵۰	۲۲,۰	۱۲,۰	۵,۰	۱۷,۰
۵۱	۶,۰	۱۶,۰	۲۱,۰	۳۰,۰
۵۲	۱۲,۰	۲۸,۰	۳۷,۰	۲۵,۰

تحلیل امتیازها و نتیجه گیری

برای انجام محاسبات و روش امتیاز دهی به گویه‌ها در این پژوهش از روش رگرسیونی استفاده شده است. با توجه به رتبه‌بندی امتیازات هر گویه تحت هر یک از گروه‌ها نتایج زیر استخراج شده است. مشارکت کنندگان گروه یک، بر خلاف سایر گروه‌ها معتقدند که جریان‌های فرهنگی اثر گذار در استان اردبیل به هیچ وجه با فرهنگ عمومی و ارزش کشورمان همسو نیستند. این گروه از مدیران و کارشناسان بر این باورند که مناطق مرفه‌نشین شهرها، منشاء اصلی آسیب‌های اجتماعی هستند. این گروه معتقدند که اقبال عمومی به تحصیل در حوزه‌های علمیه موجب گسترش تبلیغات دینی از نظر کمی و کیفی می‌شود و نیز اعتقاد دارند که برخی از روزنامه‌های محلی عمداً به ترویج فرهنگ ضد ارزشی مبادرت می‌کنند. این دسته از مدیران و کارشناسان همچنین بر این باور هستند که جریان‌های مغایر با فرهنگ عمومی در استان به وفور دیده می‌شود. آسیب‌های شایع در استان را مشابه آسیب‌های شایع سایر استان‌ها می‌دانند. در نظر این گروه؛ آسیب‌های اجتماعی در بین مهاجران و همچنین در مناطق مرزی از شیوع بیشتری برخوردار است. از دیدگاه این گروه؛ رسیدگی به امور معیشتی خانواده‌های فقیر موجب کاهش آسیب‌های اجتماعی می‌شود. نیز معتقدند آسیب‌های اجتماعی، متناسب با میزان دینداری کاهش می‌یابد. این‌ها عقیده دارند که متولی تبلیغات دینی باید یک سازمان مشخصی باشد. همچنین بر این باورند که لازمه گسترش تبلیغات دینی، استفاده حداکثری از توان حوزه- دانشگاه و تشکلهای مردمی است. به عقیده این‌ها؛ ترویج آموزه‌های دینی به زبان ساده در میان مردم، موجب ارتقای سطح کیفیت تبلیغات دینی می‌شود. طبق نظر این گروه؛ اجرای درست برنامه‌های توسعه‌مدار، عامل مهمی در گسترش کمی و کیفی تبلیغات دینی به شمار می‌آید و همچنین عقیده دارند که استمرار و مداومت برنامه‌های دینی و تداوم تبلیغات در زمینه نشر عقاید اسلامی به توفیق در توسعه کمی و کیفی تبلیغات دینی می‌انجامد. این گروه همانند سایر گروه‌ها دانش آموزان، دانشجویان و طلاب را سفیران مناسبی برای تبلیغات دینی در جامعه می‌دانند و عقیده دارند؛ از ظرفیت‌های علمی و فرهنگی استان اردبیل برای برگزاری همایش‌های مورد نیاز به طور کامل استفاده نمی‌شود. گاهی مجلات به سخنگوی منابع ترویج ضد ارزشی تبدیل می‌شوند. این گروه به شدت اعتقاد دارند که فرهنگ دینی نقش درجه اول را در رقم خوردن جریان‌های فرهنگی دارد. به طور کلی در مورد گروه اول که ۲۳٪ پاسخگویان را تشکیل می‌دهند، چنین استنباط می‌شود که از وجود آسیب‌های اجتماعی در استان اردبیل ابراز نارضایتی کرده‌اند. این افراد با این نظر موافق هستند که متولی تبلیغات دینی در جامعه یک سازمان مشخصی باشد. این گروه عقیده دارند که از

ظرفیتهای موجود در استان اردبیل از قبیل همایش‌ها، صدا و سیما، نشر و مجلات به نحو احسن در ترویج فرهنگ ارزشی استفاده نمی‌شود.

در مورد گروه دوم نیز چنین به دست آمده است که مشارکت‌کنندگان این گروه در این موارد با سایر گروه‌ها اختلاف نظر دارند: و مخالف این نظر هستند که اکثر جریان‌های فرهنگی حاکم بر جامعه در حوزه‌ی فرهنگ سیاسی رخ می‌دهد و مخالف این نظر هستند که آسیب‌های اجتماعی در مناطق مرزی بیشتر است. گروه دوم معتقد است که نشر کتاب‌های مروج فرهنگ ارزشی در استان اردبیل از وضعیت رضایت بخشی برخوردار نیست. طبق نظر این گروه؛ در استان اردبیل، وبلاگ‌ها و سایت‌های مروج فرهنگ بسیار کم است. این گروه از مشارکت‌کنندگان علاوه بر موارد فوق معتقدند که آسیبهای شایع در استان، مشابه آسیب‌های اجتماعی سایر استان‌هاست. این‌ها مخالف این نظر هستند که آسیب‌های اجتماعی در بین مهاجران بیشتر شیوع دارد. این گروه از مشارکت‌کنندگان معتقدند که جریانات فرهنگی مثبت هر نوع جریان ناهمسو را در خود هضم می‌کند. اینان عقیده دارند که فرهنگ دینی، نقش درجه اول را در رقم خوردن جریان‌های فرهنگی دارد. از نظر مشارکت‌کنندگان این گروه؛ جریان‌های روشنفکری لائیک در استان اردبیل وجود ندارد. از نظر این گروه؛ آسیب‌های اجتماعی، به تناسب میزان دینداری، کاهش و افزایش می‌یابد و مخالف این نظر هستند که مناطق مرفه‌نشین شهرها، منشاء اصلی آسیب‌های اجتماعی هستند. این‌ها همانند سایر گروه‌ها معتقدند که رسیدگی به امور معیشتی خانواده‌های فقیر در کاهش آسیب‌های اجتماعی مؤثر است و متولی تبلیغات دینی باید یک سازمان مشخصی باشد. نیز معتقدند که لازمه گسترش تبلیغات دینی، استفاده حداکثری از توان حوزه و دانشگاه است و موافق این هستند که ارتقای سطح کیفیت دینی، منوط به ترویج آموزه‌های دینی به زبانی ساده در میان مردم است. اینان عقیده دارند؛ اجرای درست برنامه‌های توسعه مدار، عامل مهمی در گسترش کمی و کیفی تبلیغات دینی به شمار می‌آید. به نظر اینان؛ یکی از عمده عوامل گسترش کمی و کیفی تبلیغات دینی، اعمال وحدت رویه در این زمینه است. این گروه از مشارکت‌کنندگان همچنین مخالف این نظر هستند که صدا و سیما مرکز استان اردبیل در فرهنگ سازی اصول ارزشی، موفق عمل کرده است. به نظر این‌ها شبکه استانی صدا و سیما برنامه روشنی برای فرهنگ سازی اصول ارزشی ندارد و تولید محصولات فرهنگی در استان اردبیل از لحاظ کمی و کیفی با مشکلات زیادی روبروست. اینان مخالف این نظر هستند که محصولات فرهنگی استان اردبیل بر اساس نیاز سنجی تولید می‌شود. با این نظر موافق نیستند که استان ما از تخصص‌های مورد لزوم برای راه‌اندازی و بلاگ‌ها و سایت‌های مروج فرهنگ ارزشی محروم است. همچنین مخالف این هستند که در استان اردبیل، وبلاگ‌ها و سایت‌های مروج فرهنگ به وفور یافت می‌شود. با توجه به آنچه که بیان شد، به نظر می‌رسد گروه دوم که ۳۷٪ مدیران و کارشناسان پاسخگو را تشکیل می‌دهد، نسبت به جریان فرهنگی استان اردبیل، ابراز نارضایتی نکرده‌اند، اما فعالیتهای انجام شده در جهت نهادینه کردن اصول ارزشی در جامعه از سوی سازمان‌هایی همچون صدا و سیما را نیز کافی ارزیابی نکرده‌اند.

گروه سوم در موارد زیر با سایر گروه‌ها اختلاف نظر دارند و معتقدند که جریانات مضر به حال فرهنگ عمومی، به راحتی قابل شناسایی نیست. جریانات فرهنگی مغایر با فرهنگ عمومی در استان اردبیل به وفور مشاهده نمی‌شود. جریانات فرهنگی مثبت و تقویت‌کننده ارزشهای فرهنگی هر نوع جریان ناهمسو را در خود هضم نمی‌کند. اکثر جریان‌های فرهنگی استان اردبیل در حوزه فرهنگ سیاسی رخ می‌دهد. جریان‌های روشنفکری و لائیک در استان اردبیل وجود دارد. نقش مجلات محلی در ترویج فرهنگ ارزشی کم‌رنگ است. مدیران و کارشناسان گروه سوم، مخالف این هستند که متولی تبلیغات دینی باید یک سازمان مشخصی باشد. معتقدند نقش همایش‌هایی که در استان اردبیل برگزار می‌شود چندان نهادینه نشده است. این گروه معتقدند آسیب‌های اجتماعی استان اردبیل در مناطق شهر نشین و مجردها شیوع بیشتری دارد. نیز مخالف این هستند که مناطق مرفه نشین، منشأ اصلی آسیب‌های اجتماعی به شمار می‌آیند. این گروه معتقدند لازمه گسترش تبلیغات دینی، استفاده حداکثری از توان حوزه و دانشگاه و شکل‌های مردمی است. در نظر این گروه؛ اجرای برنامه‌های توسعه مدار، عامل مهمی در گسترش کمی و کیفی تبلیغات دینی به

شمار می‌رود و همانند سایر گروه‌ها معتقدند که دانش‌آموزان، دانشجویان و طلاب می‌توانند سفیران مناسبی برای تبلیغات دینی باشند. از نظر مشارکت کنندگان گروه سوم، تولید محصولات فرهنگی در استان اردبیل از لحاظ کمی و کیفی با مشکلات زیادی روبروست. گروه سوم، مخالف این هستند که محصولات فرهنگی استان ما توانسته است پاسخگوی خلاءهای فرهنگی و ارزشی باشد. در نظر این گروه؛ نقش مجلات محلی در ترویج فرهنگ ارزشی کم‌رنگ است و معتقدند که گاهی برخی از هفته‌نامه‌های محلی، ناخواسته هیزم در آتش تنور دشمنان می‌ریزند. این گروه همچنین معتقدند که فقدان تناثر در استان اردبیل، یک ضایعه به شمار می‌رود.

با توجه به این تحلیل‌ها استنباط می‌شود، گروه سوم که ۲۳٪ مشارکت کنندگان را تشکیل می‌دهد، نسبت به جریانات فرهنگی حاکم بر استان اردبیل، ابراز نارضایتی نکرده‌اند و اکثر جریانات فرهنگی استان اردبیل را در حوزه‌ی سیاسی ارزیابی کرده‌اند. این دسته از مشارکت کنندگان نیاز به یک سازمان مشخص به عنوان متولی تبلیغات دینی را ضروری نمی‌دانند. همچنین این گروه نیز نسبت به فعالیتهای انجام شده در زمینه‌های فرهنگی را در استان اردبیل ناکافی ارزیابی کرده‌اند.

در نهایت گروه چهارم در موارد زیر با سایر گروه‌ها اختلاف نظر داشته‌اند: این گروه معتقدند که جریانات فرهنگی مضر به حال فرهنگ عمومی براحتهی قابل شناسایی هستند. جریانات فرهنگی اثرگذار در استان اردبیل کاملاً با فرهنگ عمومی و ارزشی کشورمان همسو است. نیز مخالف این هستند که بعضی از روزنامه‌های محلی عمداً به ترویج فرهنگ ضد ارزشی مبادرت می‌کنند و مخالف این هستند که برخی از سایت‌ها و وبلاگ‌های فعال استان اردبیل به مسائل قومی دامن می‌زنند. این گروه از مشارکت کنندگان همچنین مخالف این هستند که جریان‌های مغایر با فرهنگ عمومی در استان اردبیل به وفور یافت می‌شود. معتقدند که آسیب‌های شایع اجتماعی استان اردبیل، مشابه آسیب‌های اجتماعی سایر استان‌هاست. این گروه مخالف این هستند که متولی تبلیغات دینی باید یک سازمان مشخصی باشد و مخالف این عقیده هستند که از ظرفیتهای علمی و فرهنگی استان اردبیل برای برگزاری همایش به طور کامل استفاده می‌شود. معتقدند که نقش همایش‌هایی که در استان اردبیل برگزار می‌شود چندان نهادینه نشده است و صدا و سیمای مرکز اردبیل در فرهنگ سازی اصول ارزشی نتوانسته است موفق عمل کند. صدا و سیما برنامه روشنی برای فرهنگ‌سازی اصول ارزشی ندارد. این‌ها مخالف این هستند که محصولات فرهنگی استان اردبیل بر اساس نیاز سنجی تولید می‌شود و مخالف این هستند که محصولات فرهنگی استان اردبیل توانسته است پاسخگوی خلاءهای فرهنگی و ارزشی کشورمان باشد. این گروه از مشارکت کنندگان، مخالف این هستند که آسیب‌های اجتماعی در مناطق حاشیه نشین و مجردها شیوع بیشتری دارد. در نظر این گروه؛ آسیب‌های اجتماعی به تناسب میزان دینداری کاهش و یا افزایش پیدا می‌کند. آسیب‌های اجتماعی در مناطق مرزی استان اردبیل بیشتر از سایر مناطق است. همانند سایر گروه‌ها موافق این هستند که رسیدگی به امور معیشتی خانواده‌های فقیر در کاهش آسیب‌های اجتماعی مؤثر است. نیز مخالف این هستند که برخی از هفته‌نامه‌های محلی ناخواسته آتش در هیزم دشمنان می‌ریزند و یا اینکه برخی از روزنامه‌های محلی عمداً به ترویج فرهنگ ضد ارزش مبادرت می‌کنند.

بنابر آنچه ارائه شد، استنباط می‌شود گروه چهارم که ۱۷٪ پاسخگویان را تشکیل می‌دهد، نسبت به همه جریانات فرهنگی استان خوش‌بین هستند و هیچ نوع جریان فرهنگی مغایر و ناهمسو را نیز در استان، مهم تلقی نکرده‌اند با این حال این افراد از عملکرد مجلات و سایت‌های محلی ابراز رضایت کرده‌اند.

دسته‌ای از پرسش‌ها وجود داشت که تمامی گروه‌ها در مورد آنها نظر مشترک داشتند، از جمله اینکه، تمامی گروه‌ها معتقد بودند که رسیدگی به امور معیشتی خانواده‌های فقیر، موجب کاهش آسیب‌های اجتماعی می‌شود. آسیب‌های اجتماعی به تناسب میزان دینداری کاهش و یا افزایش می‌یابد. فرهنگ دینی، نقش درجه اول را در رقم خوردن جریان‌های فرهنگی دارد. در نهایت تمامی گروه‌ها بر این باور بودند که اجرای درست برنامه‌های توسعه‌مدار، عامل مهمی در گسترش کمی و کیفی تبلیغات دینی به شمار می‌رود.

یکی از مهمترین نتایج کاربردی این طرح مطالعاتی، شناخت جریان‌های فرهنگی - اجتماعی مؤثر بر فضای کلی و عمومی استان اردبیل است. با حصول بینش کلی از وضعیت فرهنگی و اجتماعی استان اردبیل، رویکرد حمایتی سازمان از تشکلهای سازمان‌های مردم‌نهاد وابسته به جریان‌ها، شناسایی شده شکل می‌گیرد. به طوری که نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهشی مهرداد نصیری و نرگس صالح‌نیا از نظر همپوشانی محل‌تامل است. انتظار می‌رود توصیف دقیقی از مهمترین مشکلات اجتماعی و فرهنگی و جریان‌های مهم مؤثر بر روند تصمیم‌گیری هر استان ارائه شود. بدون تردید این جمع‌بندی‌ها مبنای تصمیمات حمایتی آینده هر استان خواهد بود.

با انجام این طرح مطالعاتی، ضمن آگاهی دقیق از جریان‌های فرهنگی و اجتماعی مؤثر استان اردبیل، می‌توان در خصوص درجه، اولویت، اهمیت و همچنین نقش آینده این نهادهای مردمی، تشکلهای و مؤسسات مختلفی که به جریان‌ها شناسایی شده وابستگی دارند برنامه‌ریزی و اقدام نمود. پایش جریان‌های فرهنگی تولید شده در حوزه‌های مختلف جامعه؛ اعم از فرهنگ دینی، فرهنگ سیاسی، فرهنگ اقتصادی، فرهنگ مدنی و فرهنگ علمی و هم چنین آینده‌نگری فرهنگی و شناسایی به موقع جریان‌ها و مسائل فرهنگی و ارائه راهبردهای مواجهه صحیح با آنها از دیگر دستاوردهای کاربردی این بررسی مطالعاتی است.

منابع

- ۱- الوانی، سید مهدی و حسن دانایی فرد، تئوری سازمان (ساختار، طراحی، کاربردها) تهران، انتشارات صفاد، ۱۳۸۴.
- ۲- اشترینان، کیومرث، روش سیاست‌گذاری فرهنگی، تهران: کتاب آشنا، ۱۳۸۱.
- ۳- بیگدلو، رضا، اکبری، محمدعلی، تبارشناسی جریان‌های فرهنگی در ایران معاصر، تاریخ ایران شماره: ۶۷-۶۵، ۱۳۹۰.
- ۴- پیروزمند، ع، صادقی، ش. چیستی فرهنگ و چگونگی تغییرات، ۱۳۸۵
- ۵- خوشگویان فرد، علیرضا. روش‌شناسی کیو، مرکز تحقیقات صدا و سیما، ۱۳۸۶
- ۶- دیویس، استانی، مدیریت فرهنگ سازمان، ترجمه: میرسپاسی، ناصر و پریچهر معتمد گرجی، تهران، مروارید، ۱۳۷۳.
- ۷- رشاد، علی اکبر؛ «سهم و نقش فکر و فرهنگ دینی در توسعه»؛ مجموعه مقالات دومین همایش اسلام و توسعه، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۲
- ۸- رادریگز، کارل، مدیریت در عرصه بین‌المللی، شمس السادات زاهدی و حسن دانایی فرد، انتشارات صفار، تهران، ۱۳۸۰.
- ۹- راگونات، مدیریت تطبیقی، عباس منوریان، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۱.
- ۱۰- زاهدی، شمس السادات، مدیریت فراملیتی، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۹.
- ۱۱- سریع القلم، محمود؛ عقل و توسعه یافتگی، تهران: انتشارات صفیر، ۱۳۷۲.
- ۱۲- یونسکو؛ رهیافت مردم‌شناختی توسعه؛ ترجمه نعمت‌الله فاضلی و محمد فاضلی؛ [بی‌جا]: [بی‌نا]، ۱۳۷۶.
- ۱۳- سیف‌زاده، حسین، سیاست‌گذاری فرهنگی و میزان مداخله دولت در آن: تأملی نظری؛ منقول در: وحید، مجید (۱۳۸۲)، سیاست‌گذاری و فرهنگی در ایران امروز، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۲
- ۱۴- شنایدر، سوزان سی وبارسو، ژان لویی، مدیریت در بینه فرهنگ‌ها، سید محمد اعرابی و داوود ایزدی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران، ۱۳۷۹
- ۱۵- عنبری، م. (۱۳۹۰). تطور مفهومی رصد فرهنگی. انتشارات دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- ۱۶- کاشی، محمد جواد غلامرضا، سیاست‌گذاری اقتدارگرایانه و دموکراتیک فرهنگی، منقول در: وحید، مجید، سیاست‌گذاری و فرهنگی در ایران امروز، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۲.
- ۱۷- کاردان، عباس، فرهنگ ملی و محلی در عصر جهانی شدن، ماهنامه مهندسی فرهنگی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، شماره

۱۱۰، تیر و مرداد ۱۳۸۶

- ۱۸- کلانتری، خلیل، پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی اقتصادی. فرهنگ صبا، ۱۳۸۷.
- ۱۹- گرامی، غ. (۱۳۸۶). مهندسی فرهنگی؛ بایسته‌ها و راهبردها. ماهنامه معارف. شماره ۵۲
- ۲۰- گیدنز، آ. ۱۳۸۴، معنای مدرنیت، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران، انتشارات کویر
- ۲۱- گیدنز، آ. ۱۳۸۶، جامعه شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نشر نی
- ۲۲- مهدوی نژاد محمدجواد، مشایخی محمد. (۱۳۸۹). بایسته های طراحی مسجد بر مبنای کارکردهای فرهنگی- اجتماعی معماری و شهرسازی آرمان شهر پاییز و زمستان؛ ۳(۵): ۶۵-۷۸
- ۲۳- نصیری تهرانی، مهرداد و کاوسی، اسماعیل. (۱۳۹۰). نقش شبکه های تلویزیونی استانی در تقویت فرهنگ بومی (مطالعه موردی استانهای آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، اردبیل و زنجان) نشریه علوم اجتماعی شماره ۸۴: ۶۵-۸۶
- 24- Bridge, G., (2005), Reason in the City of Difference: Pragmatism, Communicative Action and Contemporary Urbanism, London: Routledge.
- 25- Castells, M., (2002), The Urban Ideology, In Ida Susser (Ed.), The Castells Reader on Cities and Social Theory, (34-44), Blackwell.
- 26- Ritzer, G., (2010), Globalization: the essentials, Blakwell
- 27- Sienses, F. (2001) Küreselleflmenin Öteki Yüzü: Yoksulluk, iletişim Yayınları: istanbul.
- 28- Tekeli, İlhan (2001) Modernite Aşılırken Kent Planlaması, İmge Kitabevi, Ankara.

Analyzing the development of cultural and social trends affecting the general and public atmosphere of Ardabil province

Mohsen Alaei Bosjin¹

Assistant Professor of Sociology Department of Payam Noor University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Abstract: Culture and cultural management are among the things that are considered as the main axis and foundation of sustainable economic development. Culture, as a set of beliefs, attitudes and heart beliefs of a group and society, constitutes their way of life. When the society's way of life is based on a strong scientific and developed culture, it is easy to build the foundations of sustainable development. Based on this, in this article, an attempt is made to investigate and study the influential cultural currents from the point of view of managers and experts in relation to the factors and influential cultural-social currents governing Ardabil province. The main results of this analysis, using Q factor analysis was performed on the participants, four main mental groups were obtained from the perspective of the managers and experts of the province regarding the cultural currents of Ardabil province. The first group, which constitutes 23% of the respondents, expressed the existence of social harms in Ardabil province. are dissatisfied. The second group, which constitutes 37% of the responding managers and experts, have not expressed dissatisfaction with the cultural trends of Ardabil province. They have evaluated the province's culture in the political field. Finally, the fourth group, which constitutes 17% of the respondents, believes that the guardian of religious propaganda should be a specific organization. They are against the fact that the cultural products of Ardabil province have been able to respond to the cultural and value gaps of our country.

Keywords: Cultural development, cultural observation, flow analysis, cultural and social flows, Ardabil province.

¹ Email: Moalaei@gmail.com (Corresponding Author)